

## مأموریت از خداوند

از بدو مدنیت بشر هنگامی که مردم خداوند را فراموش کردند و غرق در شرارت شدند، خداوند حضرت نوح را چون واعظ عدالت فرستاد تا آن نژاد بدکار را به خداشناسی برگرداند. مردم حق انتخاب داشتند تا مزدهٔ حیات بخش آن حضرت را قبول کرده نجات یابند یا رد نموده هلاک گردند. به مرور در قرنهای بعد از آن خداوند مکرراً رسولان و انبیاء را فرستاد تا مردم را به اعتراف و ایمان به خالق دعوت کنند. ولی تمایل طبیعی بشر دائماً در جهت پذیرش فریبهای شیطان و انکار دعوتهای الهی بوده است.

در قرنهای بعد از عیسی نیز همان وضع مشاهده می شود. توسط عاموس نبی خداوند گفته بود که «خداوند یهوه کاری نمی کند جز این که سر خویش را به بندگان خود انبیاء مکشوف میسازد.» (عاموس ۷:۳). در اوائل قرن هفتم میلادی، دنیا نیاز به رسولی با چنین رسالت صالح جویانه و صمیمانه داشت. جمعیت بت پرست عربستان ایام جاهلیت احتیاج به چنین پیغامی داشتند. هم چنین مناطق وسیعی از ساکنان مسیحی مرتد چنان که در برنامهٔ گذشته عرض کردیم مرتکب ترک تعلیمات مسیح شده بودند، نیز احتیاج بچنین هشداری داشتند - یعنی کسی که آنان را به شناسائی و پرستش خدای واحد دعوت کند. زمینه آماده بود و رسول در وقت معین ظهور کرد.

بظهور و پیشرفت اسلام معروف است به

پیغمبر اسلام به ستاره ای از آسمان تشبیه شده

است. بسیاری از رهبران کشورها با نیروی نظامی شان با قوم مرتد خداوند جنگیدند.

منجمله بخت النصر، پادشاه بابل که در قرن ششم قبل از میلاد مسیح صدها هزار تن از

بنی اسرائیل را به اسارت برد. وی "بنده خدا" - خوانده شد. حضرت موسی تهدید کرده بود که این قوم اگر امین نمانند چنین بلائی نصیبشان خواهد شد.

بدون شک این ستاره ای که از آسمان نازل شد وسیله ای در دست خداوند بود برای کبفر دادن بگناهکاران که از فرمان خداوند سرکشی کرده بودند. در شبه جزیره کویر و ویران عربستان که گوئی بکلی غیرمسکونی است بنا بود پیشوائی ظاهر شود که با تعصب روحانی و نیروی مافوق الطبیعه و ورای انسانی، مقصود پروردگار را بر آورده سازد.

ارتش این رسول دارای نیروهائی همچون ملخ خواهد بود. در ادوار مختلف تاریخ دنیا دیده شده که ملخها قدرت ویران و تاراج کننده ای داشته اند. بدین ترتیب سپاه جهاد از عربستان بایر غضب الهی را بر مرتدین وارد آوردند و مردم در عین حال بتوبه گرائیدند. قوای اسلام در مدت بسیار کمی نائل به فتح قسمتهای وسیعی شد و قدرت سلطه آنان بر اکثر آسیای جنوبی از سرحد چین تا اقیانوس اطلس، افریقا و اسپانیا و اروپا مستقر گردید. تفسیر پیروزیهای نظامی اسلام از نقطه نظر حوادث تاریخی غیر قابل وصف است. مورخین سعی کردند شکست ساسانیان زرتشتی و امپراطوری بیزانترین را در نتیجه زد و خورد سالهای متوالی با یکدیگر و تضعیف همدیگر تفسیر نمایند. ولی این جواب و ساده و ناقص می باشد. سالهای طولانی جنگ بین ایران و روم که دو امپراطوری بزرگ جهان بودند ممکن است تا اندازه ای علل ضعیف شدن آنها باشد ولی دلیل کافی برای شکست هر دوی آنها نمی باشد. در بین سپاهیان جهاد نیروی نامرئی و مافوق الطبیعه و پر قدرتی وجود داشت که سر زمین های دشمنان را زیر پرچم اسلام در آورد - نیروئی که خارج از تفسیر تاریخی و عادی باشد. مورخین در این مورد مواجه با اشکالات عظیم انسان شناسی و اجتماعی می شوند. در تمام دوران تاریخ چه قبل از اسلام

و چه بعد از لشکرکشی اعراب، زمانی نبوده که ملل عرب چنین روح پیوستگی و وحدت و هماهنگی و همکاری در هر کاری داشته باشند. روابط بین ممالک عربی امروزه نیز آن را تصدیق میکند. افراد متعصب دنیای عرب ایده و عقاید تازه را بسختی می پذیرند. مع و

در جهت بشارت و وحدانیت خداوند تجدید و تغییر یافت.

ظهور و رشد و توسعه اسلام در نقل و انتقال قومها و امتهای بی سابقه بود. جستجوی سبب و علت آن در کتب عادی بی شمار خواهد بود. دنبال یک دهه موعظه که در آن حضرت محمد بت پرستان عربستان را به ایمان به خدای واحد رهبری نمود - یعنی در اولین ده سال بعد از هجرت، عظیم ترین پیوستگی مردم عرب برای انجام یک هدف بوقوع پیوست.

شخص منصف با تعبیر و بررسی در این بیانات بوضوح متوجه خواهد شد که در آن زمان بت پرستی بر جهان حکم فرما بود. خداوند نهضتی برای اصلاح این وضع برپا کرد و آن نهضت با تازیبانه خداوند اجرا گردید. خداوند یکی را برای رهبری آن نهضت مبعوث کرد و اسلام بنا بود آن نقش را اجرا کند. برای انجام آن مقصود پایه بسیار وسیعی لازم بود بررسی خواهیم کرد. خداوند آن پایه پهنای را به نیروهای اسلامی عطا کرد تا مردم آن سرزمین های پراکنده را از مزده خداوند بی خبر نگذارد.

طبق پیشگوئی انجیل با کنجاوی بیشتری در پیشرفت اسلام استنباط می شود که سپاه جهاد می باید فقط آنانی را دشمن دانند که مهر خدا را بر پیشانی خود ندارند. (مکاشفه ۹:۴). وقتی که در باره مهر صحبت می کنیم، معلوم است که به مدارک

رسمی اشاره میشود. هر مدرک رسمی مبیاید با مهر مسئول آن ممهور شود. مهر است که بمدرك رسمیت و اعتبار میبخشد. برای نمونه - آقای کلینتن، رئیس، جمهور امریکا - اسم و مقام و وسعت حکمرانی او ذکر شده است. این سه نکته ضروری در مهر آن شخص بایستی ذکر و مشاهده شود.

شریعت خداوند مدرک رسمی میباشد. در حکم چهارم خداوند حفظ و تقدیس روز سبت را فرمان می دهد. آن مهري که دارای سه نکته ضروری فوق الذکر می باشد و کلمه شریعت را مقتدر و پایدار می کند در خلال حکم چهارم احکام دهگانه یافت میشود. زیرا فقط در حکم چهارم است که نام (خداوند)، مقام (آفریننده)، و وسعت حکمرانی (آسمان و زمین) را ذکر میکند. برای اطلاع شنوندگان محترم، حکم چهارم را برایتان نقل می کنیم:

«روز سبت را یاد کن تا آنرا تقدیس نمائی. شش روز مشغول باش و همه کارهای خود را بجا آور. اما روز هفتمین سبت بیهوه خدای تو است، در آن هیچ کار مکن تو و پسر تو و دخترت و غلامت و کنیزت و بهیمه ات و مهمان تو که درون دروازه های تو باشد، زیرا که در شش روز خداوند آسمان و زمین و دریا و آنچه را که در آنها است بساخت و در روز هفتم آرام فرمود از این سبب خداوند روز هفتم را مبارک خوانده آنرا تقدیس نمود.» (خروج ۸:۲۰-۱۱).

وقت ما در این برنامه تمام شد. در برنامه بعدی اهمیت مهر خدا و حفاظت پروردگار از مهورین در بیشرفتهای مجاهدین اسلام ملاحظه خواهیم کرد.

